

گاهنامه دانشجویی حقوقی انصاف

بهار ۱۴۱۱

شماره هفتم

انصاف



بررسی چالش‌های حاکمیتی طالبان

طرح صیانت از حقوق فضای مجازی

حقوق اتباع خارجی در ایران

بررسی ابعاد حقوقی تغییر جنسیت

انصاف

سماوات
الارض
الارض
الارض

شناسنامه

گاہنامہ حقوقی انصاف

صاحب امتیاز:

انجمن علمی حقوق دانشگاہ الزہرا

مدیر مسئول: فاطمہ قاسملو

سر دبیر: فاطمہ جلیلی

طراح گرافیک: یاسین علوی

تحریر: بہ:

پریسا پور مقدم

بہار شجاعیان

زہرا نصریان

زہرا طاہرخانی

ہیوا جلالی

رکسانا خاکپور

یگانہ کریمی

فاطمہ غلام نواسانی

ارتباط

telegram: Ensaf_mag

instagram: alz_law_community

فهرست

۱۰

_ طرح صیانت
از حقوق فضای مجازی
در بوته نقد و بررسی
*رکسانا خاکپور

۶

_ بررسی چالش های
حاکمیتی طالبان
*یگانه کریمی

۵

سخن سردبیر
*فاطمه جلیلی

۲۲

_ حقوق
منابع طبیعی در ایران
*زهرا نصریان

۱۸

_ بررسی
ابعاد حقوقی تغییر جنسیت
*زهرا ظاهرخانی

۱۴

_ حقوق
اتباع خارجی در ایران
*هیوا جلالی

۳۲

_ لحظه ایی تفکر
*فاطمه غلام لوانسانی

۲۸

_ محاکمه شیکاگو ۲
فیلمی حقوقی
براساس واقعیت
*پریسا پورمقدم

۲۶

_ نیم نگاهی بر
رشته مالکیت فکری
*بهار شجاعیان

سخن سردبیر

فاطمه جلیلی



هوالقاضی

هفتمین شماره ی انصاف، اولین شماره این نشریه در قرن جدید است و درحالی به چاپ می رسد که، ماهها از واکسینه شدن مردم ایران می گذرد و بیماری کرونا عقب نشینی کرده است. پس از خبر ناگهانی حضوری شدن دانشگاهها بعد از دو سال، دانشجویان احساسات عجیبی را تجربه می کنند، و بار دیگر مبهوت این تغییر ناگهانی در امر آموزش هستند.

این درحالیست که صدای توپ و تانک از جهان برکنده نمی شود، و باز هم جنگ، جنگ، جنگ...! چه کسی فکرش را میکرد که اوکراین مورد هدف روسیه قرار گیرد؟ اینک که سه ماه از جنگ گذشته است یک و نیم میلیون نفر اوکراینی از خانه و کاشانه ی خود به کشورهای همسایه گریخته اند، این جنگ چیست که نظم جهان را اینگونه برهم میزند؟! و اما غافل نشویم از این روزهای خاورمیانه و تغییر حکومتها و دخترانی که قربانی همیشگی وقایع سیاسی هستند، آری می خواهیم از آنها بگویم که تا دیروز بدون هیچ دغدغه ای در کلاس درس نشسته بودند و آینده ای پر از موفقیت و درخشش برای خود رقم می زدند، و امروز پا در هوا مانده اند و آینده ای نا معلوم در انتظارشان است. چه کسی باید دست به کار شود؟! و آیا عجیب نیست، طالبانی که تا دیروز گروهک تروریستی نامیده می شد، حال به عنوان حاکم افغانستان به رسمیت شناخته شده است. سیاست همواره برای من گنگ بوده، چرا که برای کسی که حقوق خوانده است تغییر یکباره حق از باطل، پذیرفتنی نیست. الزماید؛ هفتمین شماره از نشریه انصاف را با همت دانشجویان حقوق الزهرا به سرانجام رساندیم. امید است شماره های آتی این نشریه، سرشار از اتفاقات خوشایند و سازنده باشد.

این شماره از تحریریه تقدیم میشود به تمام کسانی که از گذشته تا به امروز، روح و جسمشان، از جنگ ها، بسیار بسیار زخم دیده است.

بررسی چالش‌های حاکمیتی طالبان

یگانه کریمی مقدم



مقدمه

در جهانی که هرآن اتفاقی انسان را شگفت زده می‌کند، شنیدن این خبر که طالبان برای چندمین بار بر منصب قدرت در افغانستان نشسته خیلی دور از محالات بنظر نمی‌رسید. در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۱ خبرگزاری‌های سراسر جهان اعلام کردند که محمد اشرف غنی کابل را از دست داده و حال طالبان اداره افغانستان را بر عهده دارد؛ اتفاقی که اکنون ما شاهد آن هستیم و به یکی از تلخ‌ترین اتفاقات سال ۲۰۲۱ تبدیل شده است. در این گفتار ما سعی داریم مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت طالبان را بررسی کنیم اما قبل از پرداختن به مطلب اصلی، خالی از لطف نیست که اندکی با این منشا ترس مردم افغانستان آشنا بشویم.

طالبان گروهی از روحانیون سنی هستند

۱. Ashraf Ghani

۲. نام یک جنبش اسلامی، دارای عقیده اهل سنت است.

۳. Terrorism

که عقاید دگماتیسم اسلامی با ریشه‌هایی در مکتب حنفی دیوبندی^۲ را دارا هستند، نام دیگر طالبان، امارات اسلامی افغانستان می‌باشد.

به گفته طالبان؛ اهداف آنان اعاده صلح و امنیت به افغانستان به خصوص خروج سربازان غربی و اعمال نسخه‌های از شریعت است.

طالبان در سطح بین‌المللی چهره تروریسمی^۳ از خود برجای گذاشته است، از مهم‌ترین دلایل آن میتوان به کشتار گسترده افراد غیرنظامی افغان اشاره کرد، طالبان گوشت خوک، الکل، بسیاری از فناوریهای مصرفی از جمله موسیقی، تلویزیون، اینترنت و همچنین بسیاری از شاخه‌های هنر؛ نقاشی، نمایش، شرکت در ورزش‌هایی از جمله فوتبال و شطرنج و نکه داشتن کبوتر یا هر حیوانی به عنوان

حیوان خانگی را ممنوع اعلام کرده است. با شروع حکومت طالبان سالن‌های سینما بسته شدند و به عنوان مسجد تغییر کاربری دادند؛ جشن گرفتن در روز سال نو و نوروز و حتی به نمایش درآوردن تصاویر و پرتره‌ها به علت بت پرستی ممنوع مقرر شد.

نسل‌کشی مردم هزاره صرفاً به دلیل شیعه بودن، اقدامات نقض حقوق بشر، تغییر پرچم ملی افغانستان، تخریب مجسمه بودا و..

تمامی این موارد صرفاً گوشه کوچکی از اقدامات بی‌منطق و وحشتناک طالبان است. در ارتباط با خشونت طالبان علیه زنان، بد نیست گذری بزنیم به مصاحبه فرشته نگاه، خبرنگار رادیو آزادی، با ذبیح الله مجاهد^۴:

طالبان به پرسش‌های بسیاری پاسخ صریح نداده است از جمله اینکه طبق گفته‌های قبلی



تثبیت طالبان به عنوان رهبران جدید افغانستان، دیگر کشورها نیز به سرعت خود را با این واقعیت وفق دادند، اما اکنون باید دید طالبان برای تاسیس یک حکومت با چه چالش‌هایی رو به رو هستند؟ در ابتدا طبیعی بنظر می‌رسد که هر تفکری برای به قدرت رسیدن و در پله‌های بالاتر تشکیل حکومت، دچار مشکلات و چالش‌هایی بشود اما باید گفت چالش‌های پیش رو طالبان، متعدد و متفاوت هستند. گمان میرود که مهم‌ترین چالش برای طالبان عدم کسب اعتماد افکار عمومی است؛ بخش اعظمی از شهروندان تحصیل کرده و طبقه متوسط افغانستان هیچ اعتمادی به طالبان ندارند؛ تجربه زندگی در سالهای ۱۹۹۶-۲۰۰۱ به

عبداللہ مجاهد پاسخ می‌دهد: باید بررسی بشود که بانوان در کدام یک از بخش‌های کابینه توان انجام فعالیت دارند و شرایط فعالیت در کدام یک از بخشها برای آنان ممکن نیست، در ادامه فرشته نگاه به تفاوت عملکرد پاکستان و دولت طالبان در خصوص برخورد با زنان اشاره می‌کند و به دنبال پاسخ این تفاوت است، اما ذبیح الله مجاهد همچنان بر گفته‌های قبل خویش پافشاری می‌کند: علما باید جمع بشوند و مشخص کنند فعالیت در کدام یک از بخش‌ها برای زنان مناسب است.^۴ لازم به ذکر است که **طالبان گروهی مسلح با تفکرات افراطی اسلام‌گرایانه است که در سال ۱۳۷۳ بوجود آمد و حالا بعد از دو دهه به قدرت دست یافته است.** به دنبال

طالبان* به زنان در محدوده شرع و اسلام اجازه فعالیت داده میشود.* اما چرا کابینه موقت طالبان، خالی از زنان است؟! عبداللہ مجاهد بر این سخن است که: یک ماه و نیم وقت بسیار کمی برای اجرایی کردن قوانین مربوط به زنان می‌باشد، اما سعی میشود که به سرعت درباره فعالیت و آموزش خانم‌ها تصمیم‌گیری بشود؛ خانم‌هایی که در ادارات کار میکنند حقوق آنان به صورت کامل پرداخت می‌شود. گویی فرشته نگاه، گفته‌های عبداللہ مجاهد را بی‌منطق و بدون استدلال فرض میکند زیرا دوباره سوال خود را تکرار میکند: چرا در کابینه موقت طالبان ما با عدم حضور خانم‌ها مواجه هستیم؟

۴. سخنگو وزارت اطلاعات و فرهنگ حکومت طالبان، سخنگو وقت طالبان

۵. به دلیل طولانی بودن مصاحبه و محدودیت در نوشتن این گفتار، صرفاً بخش‌هایی از این مصاحبه به رشته تحریر در آمد اما چنانچه مشتاق به دیدن کامل مصاحبه هستید به سایت اول موجود در بخش منابع رجوع کنید.



آنها ثابت کرد که طالبان همیشه به نام دین و شریعت اسلام روزگار سیاهی را برای زنان، اقلیت های قومی و دینی، مخالفان و روشنفکران رقم زده اند.

۲۰ سال بعد، طالبان مدعی شد که تغییر کرده است و حال خواستار تشکیل دولتی همه گیر از تمام قومیت ها و مذاهب است؛ در همین راستا با رهبران شیعیان هزاره و همچنین حمید کرزی رئیس جمهور پیشین افغانستان دیدار کرد اما با وجود تمامی این اقدامات هنوز شک و تردید درباره باورهای طالبان وجود دارد و بسیاری اظهار کرده اند که هنوز در عمل شاهد هیچ تغییری از سوی طالبان نبود هاند.

بعد از اعلام صریح طالبان مبتنی بر تغییر نظام فکری و عملی آنها؛ عده ای بر این باور بودند که حال بعد از به قدرت رسیدن طالبان دیگر

دست کم شاهد حملات تروریستی در کشور نخواهند بود به نوعی بعد از این می توانند افغانستان را در یک امنیت نسبی متصور بشوند اما بعد از حمله انتحاری در فرودگاه کابل که بیش از ۱۵۰ افغان کشته شدند، این باور درهم شکست و مشخص شد نه تنها تغییر مثبتی در نظام فکری و عملی آنان رخ نداده بلکه باید شاهد اوضاعی به مراتب بدتر باشیم.

افغانستان دوازدهمین کشور فقیر جهان می باشد که حتی با وجود کمک های بین المللی باز هم فقر در افغانستان رو به کاهش نبوده البته ذکر این نکته ضروری است که فساد شدید مالی دولت مردان افغانستان به این فقر دامن میزند، به هر حال با به قدرت رسیدن طالبان دامنه فقر روز به روز در حال وسیع تر شدن است

و البته باید ذکر کرد که طالبان به بخش اعظمی از پول افغانستان موجود در بانک مرکزی بین المللی دسترسی ندارد.

سازمان ملل تصریح کرده که درآمد سالانه طالبان که بخش اعظمی از آن از طریق قاچاق مواد مخدر و جرم و جنایت بدست می آید بین سیصد میلیون تا یک میلیارد دلار می باشد، درآمدی که در مقابل هزینه های واقعی افغانستان به مشابیه قطره و دریا می ماند.

بحران اقتصادی و انسانی که سازمان ملل پیش بینی کرده بود اکنون ما مشاهده گر آن هستیم.

حال طالبان با کمبود افراد متخصص در زمینه های مختلف رو به رو شده است؛ بسیاری از نخبگان افغانستان شامل حقوق دانان، کارشناسان، پزشکان، استادان



اینجانب چیزی بیش از رنگ و نژاد در ارتباط با خاورمیانه وجود دارد. بی شک جنگ سزاوار هیچ مردمی نیست، و امید است شاهد روزی باشیم که در آن سخنی از انسان زدایی نباشد.

منابع

<https://da.azadiradio.com>

<https://etemadonline.com>

<https://wikipedia.org>

www.bbc.com

www.per.euronews.com

روزی را ببینند که بزرگترین تهدید تروریستی افغانستان و شاید جهان، وظیفه حفاظت از مردم افغانستان را عهده دار بشود.

شوربختانه سایه تلخی بر افغانستان چیره شده و حتی دیگر نیم نگاهی از سوی جوامع بین المللی برای افغانستان وجود ندارد، حال آنکه بسیاری از خبرگذارهای سراسر جهان در مقایسه با اوکراین و افغانستان یکی را تمدن و دیگری را بی تمدن خوانده اند، این پرسش مطرح است که چگونه میشود کشوری را که دارای تمدن شهری از سه هزار سال قبل از میلاد مسیح بوده است و از نظر ارزش تاریخی با مصر مقایسه میشود؛ بی تمدن نامید؟!

با آنکه جهان در حال مبارزه با مفاهیمی همچون نژاد پرستی است اما به عقیده

دانشگاه و... در حال فرار از افغانستان هستند یا قبل تر از کشور خارج شدند، با وجود اینکه طالبان اجازه خروج شهروندان افغانستانی را به حالت تعلیق درآورده اما شرایط گویا آن است که کمبود افراد توانمند، اداره کشور را به بحرانی ترین حالت خود تبدیل کرده است.

با این که قدرت های منطقه^۷ در ماههای اخیر نشستهایی با طالبان داشته اند اما مانند بسیاری از کشورهای اروپایی هنوز طالبان را به رسمیت نشناخته اند؛ بسیاری از کشورهای اروپایی حتی گامی فراتر رفته اند و به صراحت خواستار بازگشت سفرای خود شده اند.

نتیجه

بسیاری از افراد جهان گمان نمی کردند که

۷. ایران، پاکستان، روسیه، چین، قطر

طرح نظام، تنظیم مقررات

خدمات فضای مجازی

در بوته نقد و بررسی

رکسانا خاکپور



چکیده

طرح تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی، که چندی است فرایند رسیدگی به آن در مجلس طبق سازوکار پیش بینی شده در اصل ۸۵ قانون اساسی آغاز شده است حواشی زیادی را برانگیخته و از همین روی تدقیق در نظامنامه از منظر حقوقی را لازم مینماید تا بتوان به یک دید جامع و انتقادی از آن دست یافت و به نتایج و آثار آن بر جنبه های مختلف حقوق شهروندی، واقف شد.

مقدمه

این طرح که از پرچم‌های اصلی ترین وقایع مربوط به قانون‌گذاری ایران بود، سرانجام در تاریخ سوم اسفند ماه سال ۱۴۰۰ توسط کمیسیون مشترک با هجده رای موافق و یک رای مخالف به تصویب رسید اما یک روز بعد، به علت وجود ایرادات شکلی در طرح، مصوبه کمیسیون مشترک توسط هیئت رئیسه ملغی شد و رسیدگی به این طرح همچنان در سایه ای از ابهام قرار دارد.

با این وجود این طرح از همان ابتدا پرسش های گوناگونی را در اذهان عمومی ایجاد کرده و نگرانی ها و واکنش های بسیاری را در پی داشته است. کاربران پرسش های گوناگونی دارند که تا

کنون پاسخ روشنی به آنها داده نشده و حتی کارزارهایی در مقابل آن توسط کاربران ایجاد شد که چندان توجهی به آنها از سوی نمایندگان نشد و همین امر نگرانی کاربران مبنی بر تضییع حق آنان در دسترسی آزاد به اطلاعات و حق آزادی بیان و نیز حق مطالبه گری خود را دو چندان کرد. این طرح از وجوه مختلفی قابل نقد و بررسی است که ما در این نوشتار سعی کردیم تا حدودی به آن از منظر حقوق و آزادی های فردی بپردازیم.

بررسی طرح از منظر حمایت از حقوق کاربران

در اسناد بین المللی و قوانین سایر کشورها

حقوقی برای کاربران به رسمیت شناخته شده که در ادامه به آن می پردازیم.

۱. آزادی اتصال به اینترنت

این حق بدان معناست که زیرساخت ها، نرم افزارها، ابزارها و امکانات لازم از قبیل رایانه، مودم، نرم افزارها برای اتصال به اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباط جهانی و دسترسی آزاد و تبادل اطلاعات بدون تبعیض، به صورت همگانی و ارزان از سوی دولت ها در اختیار شهروندان قرار گیرد. دولت ها از یک سو باید زیرساخت های لازم برای دسترسی امن و آزاد به اینترنت را فراهم کنند و از سویی دیگر باید دسترسی امن، آزاد، با کیفیت و بدون تبعیض را برای شهروندان خود فراهم کنند. یکی از لوازم تحقق این حق، تداوم و پایداری اتصال است



امنیت و شفافیت در دسترسی با یکدیگر ملازمه دارند و شفاف بودن بدان معناست که در دنیای امروز که در مقام اجرای دستورات و خواسته های کاربران از الگوریتم های خاص برای پردازش داده های آنان استفاده میشود، نحوه عملکرد و طراحی این الگوریتم ها برای کاربران روشن باشد. در این طرح خوشبختانه به حمایت از حقوق کودکان در فضای سایبر و نیز حمایت از داده های کاربران اشاره شده که البته صرفاً مقرر شده ضوابط آن در آینده از سوی کمیسیون تصویب خواهد شد و باید دید که آیا کمیسیون در آینده به این مهم توجه کافی خواهد داشت یا نه!

۴. حق بر بی نامی

این حق عبارت است از حق بر ناشناخته ماندن در برابر اشخاص ثالث یا معرفی نمودن خود با هویت دلخواه در برابر دیگران. مبنای شناسایی این حق آن است که از افراد در برابر

طرح دقیقاً در راستای سیاست شناسایی و حمایت از برخی خدمات پایه کاربردی و اعمال ضوابط تبعیض آمیز برخی دیگر است.

۳. حق بر امن و شفاف بودن اینترنت

دسترسی به اینترنت باید امن و شفاف باشد و این امر مستلزم حمایت دولتها از داده های کاربران است و این مهم محقق نمی شود مگر با حمایت دولت ها از داده های کاربران در برابر هرگونه سوءاستفاده احتمالی و نیز حمایت از آنها در برابر تبلیغات ناخواسته، جرایم سازمان یافته، خشونت، تهدید و امثالهم. همچنین دولت ها موظف به حمایت از کودکان در فضای سایبر از طریق نظام مند کردن دسترسی کودکان به اینترنت، حمایت از حریم خصوصی آنان، جرم انگاری هرگونه خشونت علیه آنان و نیز حمایت از کودکان در برابر محتوای ناسالم و مغایر با سن آنها میباشند.

که این امر مستلزم عدم قطع دسترسی به اینترنت یا عدم محدودیت در دسترسی از طریق فیلترشکن جز در موارد استثنایی و مشروع است. حقی که به نظر می رسد در این طرح توجهی بدان نشده است و از طرفی خود در جهت محدود کردن حداکثری آن برآمده است.

۲. اصل بی طرفی شبکه ای و ممنوعیت تبعیض

طبق این اصل کاربران حق جست و جو و گردش در شبکه، انتخاب برنامه ها، وب سایت ها و خدمات اینترنتی را دارند و وفق این اصل کاربران باید بتوانند هر نوع برنامه و فناوری را به کار گیرند و به سرویس های منتخب خود دسترسی داشته باشند بدون اینکه آن برنامه ها، خدمات یا وب سایت ها از سوی موتورهای جستجوگر و یا دیگر بازیگران این عرصه اولویت بندی و یا محدود شوند. متأسفانه این



خطرات و تهدیدات ناشی از معلوم بودن هویت آنان حمایت شود. کودکان، قربانیان خشونت‌های جنسی یا خانگی، منتقدان و مخالفان، افشاگران فسادهای مالی و نیز افرادی که جنسیت خود را تغییر داده‌اند بیش از سایرین نیازمند اعمال این حق و استفاده از نام مستعاراند. حق بی‌نامی در اینترنت نیز یکی از فروعات حق کلی بی‌نامی است و این بدان معناست که داده‌های کاربران اعم از داده‌های هویتی (نام، موقعیت، زمان و مکان و مدت ارتباط) و داده‌های محتوایی (عکس، فیلم، اسناد و مدارک، صوت) آنان باید محفوظ بماند و بدون اذن و اجازه کاربران هیچ‌کس حق انتشار آن را ندارد. البته این حق نیز مانند سایر حقوق نامحدود نبوده و نباید بستری برای ارتکاب جرم شود به همین جهت در کشورهایی که این حق را به رسمیت شناخته

اند حدود آن را نیز پیش‌بینی کرده‌اند اما در طرح مزبور خدمات پایه کاربردی به طور مطلق ملزم به احراز هویت معتبر کاربران شده که نگرانی در معرض خطر دادن هویت افراد را برمی‌انگیزد.

۵. حق بر رمزگذاری

حق بر رمزگذاری از امنیت و حریم خصوصی کاربران حمایت میکند در نبود این حق دولت‌ها و یا سایر واسطه‌های اینترنتی می‌توانند داده‌های اشخاص را ذخیره کنند، بخوانند و حتی در دسترس اشخاص ثالث قرار دهند اما متأسفانه طرح مزبور هیچ‌گونه توجهی به این مهم مبذول نداشته است.

۶. آزادی بیان و اطلاعات

این حق که یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود در قوانین کشورها و نیز اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. این

آزادی که در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان تصریح شده، مقرر می‌دارد: هر فردی حق دارد هر نظری که می‌خواهد داشته باشد و نیز بند ۲ ماده مزبور مقرر می‌دارد: هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه از هر قبیل بدون توجه به مرزها خواه شفاهی یا به صورت مکتوب یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد. اما همان‌گونه که هر حقی در برخورد با مصالح اجتماعی تابع حدود و مقرراتی میگردد حق مزبور نیز ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و چنانکه بند ۳ ماده مزبور اعلام می‌دارد این حق در برخورد با حقوق یا حیثیت دیگران و حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی تابع محدودیت‌های



وسیله و توجیهی برای نقض حقوق کاربران باشد لذا با توجه به مطالب فوق الذکر بهتر است نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در طرح مزبور بازنگری کرده و با استفاده از نظر کارشناسان و حقوقدانان محترم کشور ایرادات این طرح را برطرف کرده و به این ترتیب به نگرانی های کاربران مبنی بر تضييع حقوقشان پایان بخشند.

منابع:

اعلامیه جهانی حقوق بشر
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی

ضرورت، این محدودیتها را اعمال کنند. اما اکنون شبکه های اجتماعی و برخی وب سایت ها ضوابطی را تحت عنوان شرایط سرویس به امضای کاربران رسانده و این حق را برای خود ایجاد می کنند که در صورتی که محتواهای ارسالی و دریافتی کاربران را مغایر با اهداف و سیاست های اعلامی خود بدانند می توانند تدابیر تنبیهی از جمله حذف کردن یا غیر قابل دسترس کردن محتوا و یا حتی حذف کردن حساب کاربری شخص را اعمال کنند که این امر به نوعی مغایر با آزادی بیان و اطلاعات می باشد.

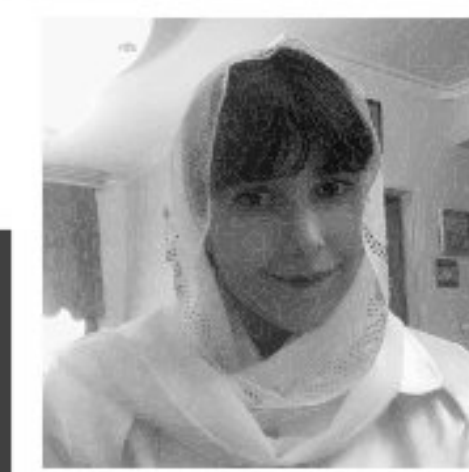
نتیجه:

بی شک حمایت از حقوق کاربران و خدمات فضای مجازی مستلزم نظامند کردن فضای مجازی و وضع مقرراتی در این زمینه است اما هیچ گاه این مهم نباید

معینی می شود و نیز ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اذعان میدارد: هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده های بدون نگرانی از مداخله و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه های بدون ملاحظات مرزی است و از آنجا که صرف داشتن آزادی عقیده جهت رشد و تعالی انسان کافی نیست لازمه چنین حقی آزادی در بیان و ابراز آن عقیده است به عبارتی دیگر آزادی اطلاعات و بیان با یکدیگر ملازمه دارند از این رو این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تصریح قرار گرفته و البته حدود و چهارچوب های آن نیز در قالب اصولی مانند اصول ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی بیان شده است. آزادی بیان و اطلاعات مانند سایر آزادی ها می توانند در صورت وجود ضرورت و به میزان

حقوق اتباع خارجی در ایران

هیوا جلالی



مقدمه

اتباع بیگانه (خارجی) چه کسانی هستند؟ اتباع بیگانه از چه حقوقی برخوردار هستند؟ آیا اتباع بیگانه از حق تحصیل اشتغال یا شرکت در انتخابات برخوردار هستند؟ اتباع بیگانه در مقایسه با اتباع یک کشور از چه حقوقی محروم هستند؟ حقوق اساسی بشر چه هستند؟ ما در این گفتار برآنیم که به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

هر کشور تشکیل شده از جمعیتی شامل اتباع خود، اتباع بیگانه و گاه در موارد معدود افراد بدون تابعیت است؛ تابعیت رابطه‌ای سیاسی، معنوی یا حقوقی بین فرد و دولت است که شخص تبعه را در قبال تبعیت، به حمایت دولت متبوع خود ذی حق می‌نماید، چنین رابطه‌ای، شخص تبعه را مطمئن می‌سازد که در رفتار و دادوستدش با کشورهای خارجی و اتباع بیگانه در صورت لزوم از حمایت سیاسی دولت متبوع خود که به وسیله حقوق بین‌الملل شناخته شده، متمتع خواهد شد. به طور کلی اصل براین است که بیگانگان نیز

همانند اتباع ایران از حقوق خصوصی برخوردارند مگر اینکه به موجب قوانین خاصی از برخورداری برخی حقوق محروم شوند، با این وجود به طور طبیعی شخصی چون تابعیت دولتی را قبول کرد حق حمایت او در خارج کشور به عهده دولت متبوعه اوست بنابراین با این تعریف اتباع خارجی در کشور بیگانه از پاره‌ای از حقوق محروم هستند.

به منظور بررسی حقوق اتباع خارجی در ایران ابتدا نیاز است که مقصود قانون‌گذار از اتباع خارجه را به طور دقیق متوجه بشویم.

به موجب ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی در دقیق ترین تعریف ممکن مقصود از اتباع خارجی افرادی هستند که تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران را ندارند و تحت عناوین زیر متقاضی ورود به کشور جمهوری اسلامی ایران هستند و تابعیت خارجی آنها مورد قبول دولت جمهوری اسلامی ایران است.

این عناوین به ترتیب ذیل است:

علت ترس موجه از اینکه به دلایل مربوط به نژاد یا مذهب، ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد و در خارج از کشور محل سکونت خود به سرمی برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد.

آواره: فردی است که به دلیل وقوع جنگ داخلی یا بین‌المللی بدون تشریفات قانونی کشور متبوع خود را ترک و یا وادار به ترک آن گردد، اما نمی‌تواند برابر کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ ژنو و ملحقات آن بیم موجه از اذیت و آزار را به اثبات برساند.

مهاجر: فردی است که متقاضی اقامت در جمهوری اسلامی ایران باشد و درخواست وی مورد قبول جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته باشد.

دارنده گذرنامه: فردی است که در چارچوب قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی و با اجازه مخصوص وارد کشور می‌شود.

اتباع خارجی ساکن کشور بیگانه طبق قوانین و

امور اتباع و مهاجرین خارجی استان دریافت کنند.

در باب اینکه اگر این مجوز اخذ نشود تکلیف عقد و قرارداد اجاره چه می شود باید گفت عقد صحیح است و تعهدات طرفین پابرجاست اما اگر مشاورین و بنگاه املاک این کار را بکنند از نظر حرفه‌ای و صنفی مسئولیت خواهند داشت و البته اگر طرفین مستاجر و موجر اصلاً بدون مراجعه به بنگاه بین خود قرارداد منعقد کنند؛ باز هم اشکالی نخواهد داشت.

اتباع بیگانه می‌توانند در ایران به هر تجارت، صنعت و حرفه‌ای جز آنچه قانوناً منحصر به اتباع ایرانی است یا در انحصار دولت است، اشتغال ورزند. البته در بیشتر قوانین استخدامی، شرط تابعیت ایران به عنوان یکی از شرایط اصلی استخدام در نظر گرفته شده است.

وکالت، سردفتری و کارگزاری بورس از جمله مشاغلی هستند که بیگانگان حق اشتغال به آن را ندارند، ماده ۱۲۰ قانون کار بیان می‌دارد: «اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر اینکه اولاً دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه پروانه کار دریافت دارند.» دو اصل بسیار مهم در آیین‌نامه اشتغال به کار اتباع بیگانه وجود دارد:

۱) حقوق و دستمزد تبعه ایرانی در شرایط مساوی نباید از حقوق تبعه بیگانه کمتر باشد. ۲) اتباع بیگانه در مشاغلی به کار گرفته می‌شوند که اتباع ایرانی آماده به کار واجد اطلاعات تخصصی در مورد مشابه در دسترس و کافی نباشند.

طبق دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش تحصیل دانش آموزان اتباع خارجی در مدارس غیر دولتی و نمونه دولتی، استعدادهای درخشان و استثنایی همانند دانش آموزان ایرانی خواهد بود و مدارک معتبر برای ثبت نام صرفاً یکی از موارد زیر است؛ ۱) گذرنامه دارای پروانه اقامت معتبر. ۲) کارت هویت ویژه اتباع خارجی صادره از اداره کل امور

بیگانه تامین مناسب اخذ شود.

مطابق با قانون مدنی ایران مرد بیگانه غیر مسلمان مطلقاً حق ازدواج با زن مسلمان ایرانی را ندارد. و در صورتی که مسلمان باشد ازدواج زن ایرانی با وی مستلزم اجازه مخصوص از طرف دولت است. بدیهی است بیگانگانی که مجاز به عقد نکاح با زنان ایرانی هستند باید طبق مقررات شرعی و قانون مدنی ایران تشریفات عقد نکاح را رعایت نموده و آن را به ثبت برسانند.

در مواردی که اتباع بیگانه مزدوج هر دو تبعه یک دولت بیگانه باشند میتواند به اجرای عقد نکاح مبادرت ورزند و در این گونه موارد عقد نکاح بر اساس قانون کشور متبوع زوجین منعقد می‌شود و قانون ایران نقشی ندارد. وزارت کشور و اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی در صورت تقاضای ثبت ازدواج از سوی مرد تبعه ایران با زن تبعه خارجه دارای کارت هویت ویژه اتباع خارجی، مجوز ثبت ازدواج صادر می‌نماید. روابط شخصی و مالی زوجین در صورتی که تبعه یک کشور واحد باشند تابع قانون دولت متبوع آنهاست و در صورت تفاوت تابعیت تابع قوانین دولت متبوع شوهر است. فسخ نکاح نیز از قواعدی که گفته شد تبعیت می‌نماید و طلاق نیز از حیث اسلوب تعارض قوانین تابع قانون کشور متبوع زوجین است.

در قانون با توجه به حساسیت‌هایی که وجود دارد؛ برای اتباع خارجی نسبت به اجاره یا خرید ملک محدودیت‌هایی وجود دارد. طبق قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران ماده ۲۴ و تبصره ۱ آن: فروش زمین به اتباع خارجه ممنوع است، اما اجاره زمین به اتباع خارجه مجاز است. اگر اتباع خارجی عقد اجاره ببندند این اجاره صحیح است و موارد بطلان آن منحصر در همان شرایط عمومی اهلیت و بلوغ و... می‌باشد اما با این حال انعقاد عقد اجاره بین موجر و اتباع خارجه بدون مجوز توسط مشاورین و بنگاه املاک ممنوع است و آن‌ها باید برای چنین اجاره‌ای «مجوز اجاره مسکن» را از اداره کل

مقررات بین‌المللی باید از حقوقی اساسی و بنیادین که ارتباطی با مقوله تابعیت ندارد برخوردار شوند؛ همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی، طبق قوانین داخلی ایران اتباع خارجی از حقوق مقرر در قانون ایران برخوردار هستند مگر حقوقی که قائم به تابعیت است مانند حقوق سیاسی، انتخاباتی و استخدام دولتی.

براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۳۰ حق اصلی و اساسی برای همه انسان‌ها در سرتاسر جهان وجود دارد که در سال ۱۹۸۴ توسط سازمان جهانی ملل متحد به تصویب رسیده است، این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی که تمامی انسان‌ها، صرف نظر از نژاد و جنسیت در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است.

هدف این اعلامیه، برقراری حقوق و آزادی‌های برابر برای همه انسان‌هاست؛ حق آزادی، زندگی در امنیت، مورد شکنجه قرار نگرفتن و داشتن حریم شخصی از جمله حقوق انکارناپذیری هستند که اتباع خارجی نیز از آن برخوردارند. اما تعدادی از حقوق برای اتباع خارجی در قانون اساسی یا قوانین عادی تعریف نشده است، برای بررسی این حقوق از مقررات بین‌المللی، اعلامیه‌ها، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مربوط به اتباع بیگانه یاری می‌گیریم.

به استناد اصل ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند، با توجه به اینکه ملت به معنای افرادی است که یک سرزمین را تشکیل میدهند اتباع خارجی نیز از آن مستثنی نیستند و با این تفسیر به استناد اصل ۳۵ قانون اساسی دادخواهی و رجوع به دادگاه نیز حق مسلم همه ی افراد است. اما هرگاه تبعه بیگانه دعوی علیه شخص ایرانی مطرح کند طرف ایرانی می‌تواند از دادگاه درخواست کند وفق ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی از تبعه



۱) چنانچه بین دولت کشور تبعه خارجی و دولت جمهوری اسلامی ایران، موافقتنامه تأمین اجتماعی منعقد نشده باشد

۲) در صورتیکه طبق گواهی دولت تبعه خارجی در مدت اشتغال خود در ایران، در خصوص هر یک از موارد حوادث، و بیماریها، بارداری، غرامت دستمزد، ازکارافتادگی، بازنشستگی و فوت در کشور خود بیمه شده باشد، در همان موارد از شمول بیمه تأمین اجتماعی معاف خواهد بود؛ هم چنین برای اتباع خارجی دو دسته از حمایت های اجتماعی مطرح شده است؛ حمایت بلندمدت شامل پرداخت مستمری بازنشستگان و بازماندگان، از

هسته ای و از جمله مکان های ممنوعه استان های اصفهان و آذربایجان شرقی هستند.

دانش آموزانی که مدارک هویتی آنها منقضی شده و یا مدارک هویتی و اقامتی معتبر ندارند برای ثبت نام و ادامه تحصیل باید کارت حمایت از تحصیل که توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی صادر می شود را داشته باشند، قوانین حوزه ی آموزش به گونه ای منعطف در نظر گرفته شده اند که حتی افراد بی تابعیت نیز از تحصیل محروم نشوند.

کلیه اتباع خارجی که به صورت قانونی در ایران اشتغال به کار دارند، مشمول قانون تأمین اجتماعی میباشند مگر در موارد ذیل:

اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور. ۳) کارت های آمایش ۱۳-۱۴

۴) برگ تردد بین شهری (معادل کارت آمایش) ۵) دفترچه پناهندگی معتبر صادره از ناجا. ۶) دفترچه اقامت معتبر صادره از ناجا. ۷) دارندگان مدرک اقامتی ویژه (صادر از اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور)

نکته مهمی که باید در نظر داشته باشید این است که اتباع خارجی در همه رشته ها نمی توانند تحصیل کنند و همچنین در تمامی شهرهای ایران نیز نمی توانند تردد کنند از جمله رشته های ممنوعه برای اتباع خارجی مهندسی هوافضا، فیزیک

بر حقوق شهروندی که قوانین به بیگانگان اعطا میکنند آن‌ها نیاز به پذیرش اجتماعی از سوی اتباع هر کشور را نیز دارند و این روند با توجه به همگونی دینی و یا نژادی و فرهنگی میتواند متفاوت باشد.

هم اکنون شاهد میکنیم که کشورهای اروپایی همگی با آغوش باز پذیرای پناهجویان اوکراینی هستند و آن‌ها را اسکان میدهند در حالی که نسبت به جنگ زدگان سوریه ای یا یمنی گاهی افکار متفاوتی وجود دارد و به دلیل ناهمگونی دینی یا نژادی و فرهنگی ممکن است مورد تبعیضاتی قرار بگیرند که ابعاد این موضوع نیازمند تاملی بیشتر است.

منابع:

afkarnews.com

Isna.ir

Munich.mfa.ir

tasnimnews.com

Dadgaran.net

mfa.gov.ir

Ilina news

Irna.ir

Yasa.co

Malekpourlaw.net

vakiltop.com

Khadamat.mardom.ir

heyvalaw.com

fa.wikipedia.org

Vakilroaya.com

www.zebhi.ir

alimohsenzadeh.com

Rc.majlis.ir

Vista.ir

Mardoman.net

بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، بانک‌ها و موسسات اعتباری می‌توانند به اتباع خارجی غیرمقیم یا اشخاص حقیقی خارجی دارای مدرک آمایش، دفترچه اقامت یا دفترچه پناهندگی بالای ۱۸ سال سن، کارت بانکی با سقف خرید روزانه ۱۵ میلیون تومان در روز اعطا کنند.

اتباع خارجی که دارای گواهینامه رانندگی معتبر هستند بعد از ورود به ایران می‌توانند به مدت ۶ ماه با همان گواهینامه رانندگی کنند و پس از آن باید گواهینامه خود را به گواهینامه ایرانی تبدیل کنند. اتباعی که کشورشان عضو کنوانسیون بین‌المللی علائم راه‌ها، ژنو ۱۹۴۸ یا وین ۱۹۶۸ هستند گواهینامه‌های اتباعشان در ایران طبق اصل عمل متقابل به گواهینامه ایرانی تبدیل می‌شود، اعتبار گواهینامه‌های اتباع عادی یکساله است.

اتباع خارجی جهت خروج از استان محل سکونت و تردد به سایر استانها نیاز به مجوز دارند؛ بدین منظور متقاضی ضمن ارائه درخواست به همراه مدارک شناسایی و فیش واریزی به اداره کل اتباع مراجعه و پس از بررسی مدارک توسط کارشناس مربوطه برگه تردد بین شهری به مدت ۱۰ یا ۱۵ روزه صادر و تحویل وی می‌گردد.

باتوجه به مطالبی که مطرح شد اتباع خارجی در بسیاری از حقوق با شهروندان یک کشور در وضعیتی مشابه قرار دارند و قوانین گوناگونی برای تضمین حقوق آن‌ها وضع شده اند، با این حال در صورت اقامت غیرقانونی بیگانگان امکان برخورداری آن‌ها از حقوق تعیین شده امکان پذیر نخواهد بود و در نهایت در صورت اقامت قانونی بیگانگان و نقض حقوق آن‌ها حق اقامه دعوی در دادگاه صالح بر آن‌ها موجود است.

و هم چنین در پایان لازم به ذکر است که علاوه

کارافتادگی و فوت ناشی از کار و حمایت کوتاه مدت شامل حمایت در برابر حوادث و بیماری‌ها، پرداخت غرامت ایام بیماری، ایام بارداری، نقص عضو، کفن و دفن، ازدواج و وسایل کمک پزشکی که تامین اجتماعی در قالب بیمه برای اتباع در نظر گرفته و در قالب قراردادی فی ما بین کارگر و کارفرماست.

حق شرکت در انتخابات: اتباع بیگانه از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات و نامزدی در مشاغل سیاسی، انتخابی و انتصابی ممنوع هستند.

خدمت نظام وظیفه: مهم‌ترین وظیفه سیاسی اتباع یک کشور خدمت انجام نظام وظیفه است. بیگانگان از این تکلیف معافند.

پرداخت مالیات: طبق بند ۵ از ماده ۱۵ قانون مالیات‌های مستقیم خارجیان مقیم نیز باید مالیات پرداخت کنند.

سایر حقوق سیاسی: بیگانگان از مشاغل دولتی و نظامی و انتظامی ممنوع هستند به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس. اصل ۱۴۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.»

به اتباع خارجی می‌توان به راحتی پس از احراز هویت و با در اختیار داشتن گذرنامه معتبر سیم کارت واگذار کرد. که البته در مورد افغانه علاوه بر گذرنامه مجوز اقامت نیز مورد نیاز است و در نهایت با در اختیار داشتن این مدارک فروش سیم کارت‌های دائمی و اعتباری میسر می‌شود، چنانچه مرکزی از اعطای سیم کارت به اتباع خارجی امتناع ورزد و در پی آن از آن مرکز شکایتی صورت بگیرد، قابل پیگیری میباشد.

ابعاد حقوقی

تغییر جنسیت در ایران

زهرا طاهرخانی



عمل تغییر جنسیت یا به عبارت بهتر عمل تطبیق جنسیت در جامعه کنونی که با سرعت در حال تجربه فناوری و پیشرفت است یکی از مسایل مهم و چالشی حقوقی و اجتماعی است. یکی از معیارهای تقسیم بندی انسان در جامعه برای تعیین حقوق و تحمیل تکالیف او جنسیت افراد میباشد. انسان به صرف زن بودن یا مرد بودن دارای حقوق و تکالیف در اجتماع، خانواده و حتی مسائل شرعی خود می باشد. از اولین عمل تغییر جنسیت چندین دهه میگذرد و امروز به طور چشم گیری شاهد اختلال های جنسیتی در انسان ها علی الخصوص جوانان هستیم به گونه ای که افراد هویت اصلی خود را متضاد از کالبد جسمی شان میدانند. **طبقه بندی هایی که به صورت رسمی از اختلال های جنسیتی صورت گرفته به سه دسته (دوجنسه خنثی- تراجنسی ترنسکشوال- تراجنسیتی تراجندر) تقسیم میشود.** با مطالعه در فقه اسلامی متوجه میشویم از افراد دوجنسه خنثی به عنوان افراد ممسوح اسم برده

میشود این افراد دارای دو آلت تناسلی مردانه و زنانه هستند و معیار تشخیص قالب جنسیت این افراد آلت تناسلی قالب در ادرار میباشد ولی امروزه صرف تعیین جنسیت قالب افراد خنثی، آلت تناسلی و ادرار نیست بلکه به عوامل روحی و روانی این افراد هم توجه میشود. دسته دوم افراد ترنس سکشوال هستند این افراد جسم و تن سالم و یک دستی دارند منتهی روح و روان این افراد جسم رازندان جنسیت برای روح میدانند مانند اینکه فرد مردیست با روح روان زنانه و یا زنیست با روح و روان مردانه این افراد خواهان شکستن زندان جسم و همسو کردن جسم و روان خود از نظر جنسیتی هستند. دسته سوم افراد تراجنسیتی این تقسیم بندی به صورت کلی تر از دو دسته فوق است یعنی هم افراد دو جنسه را شامل میشود و هم افراد ترنس سکشوال و حتی میتوان افرادی که متقاضی تغییر جنسیت خود هم نیستند را در این دسته افراد قرارداد. اولین فتوای عمل تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۶۰ در جماران به فرمان امام خمینی ره

برای تغییر جنسیت فردی به نام فریدون ملک آرا به مریم خاتون صادر شد. البته در سال ۱۳۴۲ شمسی امام خمینی ره را به عنوان اولین فقیهی که رسماً به مباحث تغییر جنسیت در کتاب تحریر الوسیله خود جلد دوم پرداخته است میتوان به یاد آورد. با این حال با گذشت سالها از این ماجرا، در متن مدون شده قانون ایران هیچ ماده ای دلالت بر جواز تصریح عمل تغییر جنسیت ندارد. به صورت پراکنده در قوانینی به عمل تغییر جنسیت اشاره شده است، در بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ اشاره شده که درخواست تغییر جنسیت در صلاحیت دادگاه خانواده میباشد. **و یا طبق «بخش پنجم آیین نامه سازمان نظام وظیفه عمومی ناجا» معافیت از سربازی به دلیل ترنس بودن مشمول ترنس ها و همجنس گرایان می شوند.** در آیین نامه جدید، مصوب ۱۳۹۳ همجنسگرایان طبق بند ۷ با عنوان «کژخویی هایی که مغایر شئون اجتماعی و نظامی



خود را دارد که این نظریه به دلیل اینکه زمانی فرد بر اموال خود تسلط دارد و میتواند آزادانه بر آن سلطه داشته باشد که در جهت منفعتی عقلایی و مشروع قدم بردارد.

نظریه دوم نظریه ممنوعیت مطلق است به دلیل این که انسان مخلوق خداوند است و هرگونه تغییر در جنسیت فرد، تغییر در آفرینش الهی و عملی حرام محسوب میشود ولی میتوان به این موضوع نقد وارد کرد چون عمل تغییر جنسیت با مراجعه به پزشک قانونی و انجام آزمایشات جسمی و روحی و حتی انجام هورمون درمانی انجام میشود، به همین دلیل میتوان اشاره داشت که انجام عمل تغییر جنسیت گاهی واجب و ضروری است و

پزشکی قانونی و تایید مراکز درمانی نظام وظیفه می‌توانند معافیت دائم از سربازی را دریافت کنند.

از مواد قانونی و آیین نامه‌های پراکنده می‌توان به صورت ضمنی نتیجه گرفت که قانون‌گذار ایرانی انجام عمل تغییر جنسیت را ممکن می‌داند ولی در هیچ قسمتی به صورت رسمی جوازی صادر نکرده و از شرایط و محدودیت‌های این درخواست صحبتی به میان نیاورده است. به همین دلیل برای صدور جواز تغییر جنسیت باید به نظریات فقهی رجوع کرد.

نظریه مشروعیت مطلق که انجام عمل تغییر جنسیت را به صورت کلی بدون قید و شرط و هیچ محدودیتی آزاد میداند چون فرد بر جسم و جان خود مسلط است پس آزادانه حق هرگونه تغییر در اموال

است، از جمله انحرافات جنسی و هموسکشوالیتی» به صورت موقت شش ماه معاف می‌شوند و در صورت اثبات در مراکز درمانی نظام وظیفه می‌توانند معافیت دائم دریافت کنند.

معافیت ترنس‌ها از سربازی در این شش ماه به این شکل است که شخص زیر نظر نیروهای متخصص ذکر شده تحت تشخیص و درمان قرار می‌گیرد، و در نهایت شورای پزشکی درباره وضعیت معافیت او تصمیم‌گیری خواهد کرد. اگر فرد به اصطلاح بهبود پیدا کند، معاف از رزم و در صورتی که به گفته آیین نامه، بیماری اثبات شود، طبق نظر نهایی شورای عالی پزشکی معاف دائم میشود.

در همین بخش طبق بند ۱۲ ترنس‌ها با عنوان «اختلال هویت جنس TS» با ارائه گواهی



مدارک پزشکی اش مورد بررسی و تایید قرار بگیرد. بعد از تایید مدارک از سوی پزشکی قانونی، دوباره فرد ترا جنسی به قاضی ارجاع داده خواهد شد. در نهایت شخص قاضی باید حکمی مبنی بر جواز تغییر جنسیت فرد را صادر کند. با در دست داشتن این جواز انجام عمل توسط پزشک متخصص جراحی عمومی قانونی خواهد بود.

مسیر دوم: در این مسیر شخص ترا جنسیتی باید، طبق (بند ۱۸ م ۴ ق.ح.خ مصوب ۹۱) مستقیماً به دادگاه خانواده مراجعه کند و دادخواست تغییر جنسیت بدهد. دادگاه فرد را به پزشکی قانونی ارجاع داده و در آنجا یک روانپزشک معتبر به او معرفی می شود تا مراحل روان درمانی را شروع کند. بعد از گذراندن مراحل روان درمانی، باید آزمایش های تشخیص هورمون و کروموزوم انجام شود. شخص باید با در دست داشتن جواب آزمایش ها و تاییدیه روانپزشک، آنها را به پزشکی قانونی ارائه کند. پزشکی قانونی موارد را تایید کرده و به قاضی ارجاع میکند. در نهایت با

گذار و فقهای کشور ایران برای جواز عمل تغییر جنسیت تکیه بر نظریه مشروعیت مشروط دارند و عمل را صرفاً زمانی که دارای منفعت برای متقاضی باشد جایز میدانند.

بعد از جواز مشروعیت عمل تغییر جنسیت در ایران فرد برای انجام عمل تغییر جنسیت دو مسیر را پیش رو دارد.

مسیر اول: در ابتدا فرد باید به یک روانپزشک معتبر و دارای صلاحیت رجوع کرده و دوران روان درمانی را طی کند. در اینجا باید روانپزشک تایید کند که فرد دارای اختلال جنسی میباشد. در صورت پاسخ مثبت، پزشک باید تاییدیه ای را امضا کند. در مرحله بعدی فرد ترا جنسیتی لازم است آزمایش های تشخیص سطح هورمون و کروموزوم انجام دهد. این آزمایش ها برای این است که پزشک متوجه شود فرد دچار اختلال کروموزومی یا هورمونی نیست. بعد از آن، شخص باید به دادگاه خانواده مراجعه کرده و برای دادخواست تغییر جنسیت اقدام کند. دادگاه این فرد را به پزشکی قانونی معرفی می کند تا

نمیتوان از انجام آن سر باز زد. و نظریه سوم که منطقی و معقولانه تر برای صدور فتوای تغییر جنسیت است، نظریه مشروعیت مشروع است؛ این نظریه زمانی این عمل را جایز به شمار می آورد که شرایط و منفعتی برای فرد به دنبال داشته باشد. به این معنا تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که فرد متقاضی، دارای اختلال جنسی باشد و پزشک متخصص تغییر جنسیت را برای رفع مشکل او مفید تشخیص دهد. به عبارت بهتر باید پزشک متخصص و روان شناس با معاینه فرد، شرایط هورمونی و روانی او را مغایر با جنسیت فعلی اش بدانند و عمل تغییر جنسیت را برای وی واجب و ضروری تشخیص دهند. با بررسی ماده ۲۱۵ قانون مدنی ایران مشروعیت هر امری منوط به منفعت داشتن آن و عقلایی بودن آن است. با وجود سکوت آشکار قانونگذار ایران در مدون کردن موادی در خصوص جواز یا عدم جواز عمل تغییر جنسیت و فتوای امام خمینی (ره) میتوان از ماده ۲۱۵ قانون مدنی نتیجه گرفت که قانون



تایید قاضی، حکم تغییر جنسیت برای شخص صادر خواهد شد.

از آنجایی که عمل تغییر جنسیت تاثیر زیادی در ابعاد روحی، اجتماعی، فردی، شخصی و شغلی زندگی افراد دارد قانون‌گذار ایرانی باید توجه و اهتمام بیشتری به این موضوع نشان دهد افراد ممکن است با عمل تغییر جنسیت خود با چالش‌های جدیدی مواجه شوند یا نیازها و خواسته‌های مورد نظر آنها تامین نشود حس قالب سرخوردگی بر آنها چیره شود. در ایران عمل‌هایی تغییر جنسیت را که با تایید پزشک انجام میشود را تحت بیمه درمانی می‌پذیرد البته عمل تغییر جنسیت مخصوصا عمل تغییر جنسیت زنانه به مردانه به دلیل پیچیدگی‌هایی که دارد تعداد عمل بیشتری دارد و هزینه‌های بیشتری به فرد متقاضی تحمیل میشود. البته بهزیستی مبلغی را به عنوان کمک هزینه به افراد متقاضی پرداخت میکند و حتی این سازمان در صدد است تا حمایت‌های شغلی و روحی روانی بعد عمل این افراد را هم تامین کند. با وجود حمایت‌های پراکنده و گاه تسهیل

فرایند عمل تغییر جنسیت یا حفظ شغل افراد بعد عمل، توسط دولت و عدم بیکاری این افراد، دولت باید به صورت رسمی موضع خود را به انجام این عمل اعلام کرده تا از اتفاقات و کمبودهایی افراد بعد عمل تغییر جنسیت حمایت کند. چون هنوز هم در نقاط خاصی از کشور به دلیل فرهنگ‌های خانوادگی و تربیتی، افراد قربانی سکوت قانون‌گذار و ترس از طرد شدگی از اجتماع را به دلیل انجام عمل تغییر جنسیت به خود حمل می‌کنند.

منابع:

اقتصاد آنلاین، خ. (1398، 133). جراحی‌های هویت جنسیتی تحت پوشش بیمه است. بازیابی در 158، 1400،
<https://b2n.ir/u33098>
ایرنا، خ. (1397، 11 11). انجام 6 هزار جراحی تغییر جنسیت در ایران. بازیابی در 1400، 6 10
<https://b2n.ir/d10670>

ایسنا، خ. (1393، 59). از مشکلات مبتلایان دارای اختلال هویت جنسی تا تدوین لایحه حمایت از آنها. بازیابی در 1399، 1400،
<https://b2n.ir/f96574>
ایلنا، خ. (1397، 222). کمک درمانی بهزیستی به "ترنس سکشوال‌ها" تا سقف 25 میلیون تومان. بازیابی در 158، 1400،
<https://b2n.ir/y23543>
برنا، خ. (1399، 168). فرایند تغییر جنسیت در ایران چگونه است؟. بازیابی در 10 4، 1400،
<https://b2n.ir/t41199>
خبر آنلاین، خ. (1394، 165). 150 هزار نفر؛ جمعیت بیماران اختلال هویت جنسی ایران. بازیابی در 239، 1400،
<https://b2n.ir/b51652>
خمینی، ر. (1379). تحریرالوسیله. دفتر انتشارات اسلامی.
نوجوان، د. (1388). مبانی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت. فصلنامه حقوق پزشکی، 162. بازیابی 1400، 208

حقوق منابع طبیعی

زهرا نصیریان



مقدمه

منابع طبیعی یکی از نعمت های خدادادی است که استفاده شایسته از آن ها باعث رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها میشود؛ ولی در مقابل، استفاده نادرست پیامدهای ناگواری را به دنبال می آورد، از این رو با قرارگرفتن این منابع در اختیار دولت سعی شده است تا از استفاده نادرست از این منابع جلوگیری شود. البته دولت خود نیز باید از به کار گرفتن این منابع در موارد نامرتب، خودداری و دقت لازم را بنماید. چرا که دولت ها نیز گاهی با ایجاد طرح ها و برنامه هایی، این منابع را کاهش و به نوعی از بین می برند.

حال از جهت اهمیت منابع طبیعی و نقش آنها در زندگی روزمره مردم و پیشرفت یک جامعه، در این گفتار سعی میشود که به این سوالات پاسخ داده شود: منظور از منابع طبیعی چیست؟ جایگاه و شخصیت حقوقی منابع طبیعی در ایران

چگونه است؟ مالکیت منابع طبیعی در ایران چگونه است؟

منابع طبیعی

منظور از منابع طبیعی، ثروتهای طبیعی تجدید پذیر یک کشور میباشد. جنگل ها، مراتع، خاک و آب های زیر زمینی، اراضی و مواد معدنی از مصادیق بارز منابع طبیعی هستند. که در ایران وظیفه حفظ و نگهداری و توسعه منابع طبیعی برعهده سازمانی تحت نظارت وزارت جهاد کشاورزی است که اکنون سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور نام دارد.

جایگاه منابع طبیعی در حقوق ایران
منابع طبیعی در قانون اساسی ایران

قانون اساسی ایران که مادر تمامی قوانین ایران محسوب میشود، در سال ۱۳۸۵ که برای اولین بار تصویب شد، به مسئله منابع طبیعی اشاره ای نکرده بود. که این عدم اشاره، شاید به دلیل اهمیت نداشتن مسئله منابع طبیعی در آن زمان باشد چرا که در آن دوران مسائل سیاسی و نحوه

اداره حکومت و ساختار اساسی کشور بیشتر مدنظر قرار داشت.

اما بعد ها با پیروزی انقلاب اسلامی و با آغاز تدوین قانون اساسی جدید مسئله منابع طبیعی بیش تر مورد توجه قرار گرفت.

از این رو سه اصل از اصول قانون اساسی به این موضوع اختصاص یافت: اصل ۴۵ که مطابق با آن، "انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانهها و سایر آبهای عمومی، کوهها، درهها، جنگلها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد میشود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین میکند." بدین طریق در واقع اصل مالکیت منابع طبیعی تجدید شونده در ایران مشخص و نمودار میشود.



از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۴۷ رویکردی خصوصی بر منابع آبی حاکم بود. در این دوره قانون مدنی هم اشاره به این دارد که هر کس می‌تواند به قدر استطاعت خودش از مباحثات استفاده کند. در این دوره هیچ عنصری تحت عنوان نظارت، دخالت، برنامه‌ریزی دولت در آب را مشاهده نمی‌شود. اما از سال ۱۳۴۷ با تصویب «قانون آب و نحوه ملی شدن آن» آب نیز ذیل مقوله حقوق عمومی قرار گرفت. این قانون آب را جزو ثروت‌های ملی قرار داد. و سپس در گام اول مالکیت و نمایندگی دولت بر منابع آبی را به عنوان یک اصل اساسی تلقی می‌کند.

و در ادامه یک نظام تخصیصی و محدود را بیان می‌کند که این مورد، استفاده مردم از آب را

غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

لذا از این اصول نتیجه گرفته میشود که نظام اسلامی با توجه به آیات قرآنی و آموزه‌های دینی به تدوین قواعد و قوانینی در راستای منابع طبیعی و محیط زیست پرداخته است از جمله آن‌ها میتوان به آیه انفال که خود بیانگر و نشان دهنده ی اصل 45 ق.اساسی میباشد، اشاره کرد که انفال در قرآن کریم شامل همه اموالی میشود که مالک خصوصی ندارند و صاحب آنها خداوند، پیامبر و جانشینانش هستند.

مالکیت منابع طبیعی در ایران منابع آبی

همچنین، مطابق اصل ۴۸: "در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.

قانون اساسی در اصل ۵۰ نیز در خصوص محافظت از منابع طبیعی، تصریح میکند: "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و



مالکیت آنها؛ و مالکیت بر آنها در قانون توزیع عادلانه آب به معنای مالکیت مطلق و بیحساب مالکان نمی باشد.

منابع اراضی

اراضی ملی یا زمینهای منابع طبیعی به آن دسته از زمین هایی گفته میشود که در مالکیت شخص خاصی نمیباشند و زمینهایی هستند که هنوز حالت ابتدایی و طبیعی خود را حفظ کرده اند اما اگر روی آن فعالیت کشاورزی و.. صورت گرفته باشد به آنها زمین احیا شده گفته می شود. به عبارتی ملاک برای ملی بودن با نبودن سابقه احیا است نه مالکیت. حال، اگر افراد سند مالکیت زمینی را داشته باشند اما اگر آن را احیا نکرده باشند، می تواند ملی اعلام شود، زیرا مهم این

در خصوص منابع آب های زیرزمینی نیز، در نظام حقوقی ما میتوان بیان کرد که اسیر تاریخی تغییرات قوانین آب از سال ۱۳۰۷ تا کنون متناسب با شرایط روز نبوده، حتی باعث افزایش تخلفات و کاهش قدرت مالکیت آب نیز شده است. در قانون توزیع عادلانه آب نیز حکم جدیدی در خصوص مالکیت خصوصی بر منابع آب وضع نشده است، به جز این که آب های زیر زمینی از جمله مشترکات اعلام شده است اعم از این که این آب ها در زیر اراضی خصوص باشند یا در اراضی عمومی، اشخاص میتوانند بعد کسب مجوز از دولت نسبت به تملک این آب ها اقدام کنند. در واقع با تصویب قانون جدید، موضوع تخصیص منابع آب در حال تغییر میباشد نه

به محدوده هایی که دولت تعیین می کند، اختصاص می دهد؛ حتی در این قانون در مواد ۵۹، ۶۰ و ۶۱ مجازات های کیفری را برای متخلفان در نظر گرفته است. اما در دوره بعد از انقلاب تا حال حاضر، طبق قانون اساسی ایران یک چارچوبی تحت عنوان مالکیت عمومی منابع آب در نظر گرفته شده است؛ در این قانون در اصل، منابع آب ذیل مفهوم انفال قرار می گیرد. در قوانین مدنی هم به حق مالکیت عمومی آب اشاره شده است. اما از همه مهم تر قانون توزیع عادلانه آب است که در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید و مبنای کار قرار گرفته است. البته با وجود تصویب این قوانین، قانون سال ۱۳۴۷ همچنان پس از انقلاب شاکله کلی خود را حفظ کرده است.

عنوان گردیده که مالکیت این نوع ثروت ها در اختیار حکومت اسلامی می باشد، تا بر طبق مصالح عمومی اقدام نمایند. بسیاری از حکومت های دیگر جهان نیز معادن را در قالب اموال عمومی و ملی دسته بندی نموده. از نظر شرعی و قانونی انفال نمی توانند جزء دارایی های فردی محسوب شوند؛ زیرا در صورت واگذاری مالکیت این اموال به افراد حقیقی و یا حقوقی مصلحت عموم نادیده انگاشته می شود. بر این اساس سپردن مالکیت معادن به افراد حقیقی و حقوقی، وجاهت قانونی ندارد. تنها واگذاری منافع، اجاره مدت دار، جعاله، صلح و یا اباحه این معادن از سوی دولت به افراد دیگر مقدور می باشد. بر طبق ماده ۱۲ از قانون معادن کشور نیز، بهره برداری از معادن بزرگ صرفاً در اختیار دولت بوده و حتی با روش های عنوان شده فوق نیز نمی توان بهره برداری آن ها را به بخش خصوصی و یا حتی تعاونی سپرد. نحوه بهره برداری از معادن بزرگ توسط هیات دولت تعیین می شود. اسناد این گونه معادن نیز به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی، به عنوان نماینده دولت، صادر می شود. با توجه به موارد فوق باید بیان کرد که مالکیت خصوصی بر معادن در جمهوری اسلامی منتفی است. اما قانون حق انتفاع از معادن را به شرط پرداخت حقوق حکومت اسلامی و هم چنین جلب رضایت مالکین خصوصی یا دولتی زمینی که معدن در آن واقع شده، را در قالب قراردادی مدت دار، با نام پروانه بهره برداری ممکن می باشد.

منابع

قانون اساسی کشور ایران و اسپانیا، ایتالیا

khorasannews.com

ensani.ir

org www.ilo.: https

www.sid.ir

مقاله بهره برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام * سعید فراهانیفر

برگرفته از قانون معادن بلژیک بود. تغییرات بعدی قانون معادن ایران به ترتیب در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۹۵ انجام شد که در حال حاضر قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ به همراه اصلاحات و الحاقات بعدی آن که در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ انجام شده است، معتبر و الزم الاجرا است.

در فقه نیز، معادن به دو گروه ظاهری و باطنی تقسیم میشود. درباره مفهوم معادن ظاهری و باطنی، بین فقیهان اختلاف وجود دارد. برخی ملاک تفاوت بین معادن ظاهری و باطنی را در احیا و عدم آن دانسته اند، و گفته اند: معادن ظاهری، معدنی هستند که دستیابی به آنها نیاز به تلاش و احیا ندارد و فقط جمع آوری آنها مستلزم کار است؛ مانند برداشت نمک از نمکزار در مقابل معادن باطنی که اظهار و کشف آنها نیازمند کار و تلاش و هزینه است.

مالکیت معادن و مواد معدنی

بر اساس قانون معادن، مصوب ۱۳۳۱/۱۰/۳ معادن به سه طبقه تقسیم می شدند: مواد معدنی که معمولاً به مصرف کارهای ساختمانی می رسیدند، همچون سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ های ساختمانی، سنگ مرمر، خاک رس و ماسه و امثال آن در طبقه اول قرار داده شده بودند. بر اساس این قانون، این معادن در هر ملکی که واقع بودند متعلق صاحب آن ملک محسوب می شدند؛ اما سایر معادن متعلق به دولت محسوب می شدند.

پس از انقلاب تغییراتی در قانون، با هدف تأمین نظر غالب فقها، که معادن را جزء انفال قرار می دهند، انجام شد. از نظر علما، انفال سرمایه مکتب بوده و باید تنها در راه مصالح کل مکتب و عموم جامعه مصرف گردند. اختیار انفال، در زمان امام معصوم (علیهم السلام) به عهده ایشان است. در عصر غیبت نیز اختیار انفال با ولی فقیه می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این اختیار را، از سوی ولی فقیه، به حکومت سپرده اند. این مهم، در اصل ۴۵ قانون اساسی کشور، گنجانده شده است. این اصل به تعریف انفال و تبیین مالکیت آن ها می پردازد. در همین اصل

است که احیا و فعالیت صورت گرفته باشد. علاوه بر این موارد در سال ۱۳۴۷ همراه با انقلاب سفید، قانون ملی شدن زمین های کشاورزی هم اتفاق افتاد. که طبق ماده ۵۶ آن، اگر زمین کشاورزی قبل تاریخ تصویب این قانون احیا شده باشد، از منابع طبیعی خارج می شود و ملی محسوب نمی شود. در غیر این صورت از منابع ملی محسوب و سند مالکیت آن هم ابطال میشود.

مرجع صالح برای رسیدگی بدوی به اعتراضات برای تشخیص ملی بودن اراضی، در ابتدا هیئت ۷ نفره ای بود موسوم به "هیئت ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷" که تا مدتی نزدیک یک سال صلاحیت رسیدگی داشت. اما بعد از لازم الاجرا شدن قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۸۹ و مطابق تبصره یک ماده ۹ قانون مزبور، رسیدگی به اعتراضات در صلاحیت شعب ویژه ای که از سوی رئیس قوه قضاییه ایجاد می شود قرار گرفت.

پس باید گفت در حال حاضر مرجع صالح برای رسیدگی به اعتراض ملی اعلام شدن زمین شعب ویژه دادگستری میباشد.

مواد اولیه و معادن منابع طبیعی

مهمترین معادن ایران شامل زغال سنگ، مواد معدنی فلزی، شن و ماسه، مواد معدنی شیمیایی و نمک است.

در سال ۱۲۹۶ شمسی، اولین مصوبه مرتبط با معادن به تصویب رسید که مشتمل بر ۲۴ ماده بود و بر مواردی از جمله مجوز استخراج، حق مالکیت و حقوق دولتی تأکید شده بود. پس از آن در سال ۱۳۱۷، قانون معادن با تغییر و اصلاح به تصویب مجلس شورای ملی رسید که دارای ۱۷ ماده بود و در آن مواد معدنی دسته بندی و میزان حقوق دولتی در آن به صراحت بیان شده بود. در سال ۱۳۲۸، قانون معادن دوباره تغییر کرد که این بار ترکیب شورای عالی معادن در آن مشخص شده بود. سپس در سال ۱۳۳۶ قانونی برای معادن تصویب شد که

نیم نگاه‌هی به رشته مالکیت فکری

بهار شجاعیان



سارا آل یاسین، رتبه ۲۹۴ رشته حقوق مالکیت فکری و رتبه ۱۵۴ آزمون کانون وکلا مرکز در سال ۹۷

۱) شما در سال کنکور چه منابعی را و در چه بازه زمانی مطالعه کردید؟

- ابتدا لازم به ذکر است که من در سال ۹۷ در آزمون کانون وکلا شرکت کردم و قبول شدم. من برای آزمون کانون حدود ۶ ماه مطالعه کردم. ساعت مطالعه من هم از ۶ ساعت شروع شد و در دو ماه آخر به حدود ۱۱ ساعت رسید.

برای کنکور ارشد هم حدود ۱ ماه مطالعه کردم. در واقع من با استفاده از مطالعاتی که برای آزمون کانون داشتم در کنکور ارشد شرکت کردم و در رشته مالکیت فکری در پردیس دانشگاه تهران قبول شدم.

درخصوص منابع هم، برای درس مدنی من شرح دکتر بیات و نظم کاتوزیان را مطالعه کردم. برای متون حقوقی، کتاب law text و برای تجارت، کتاب دوجلدی دکتر رشیدی

نسب را مطالعه کردم. در خصوص درس متون فقه هم مهمترین منبع من، کتاب تحریرالروضه شهید ثانی بود. برای درس متون حقوقی، مهمترین مهارت، درک مطلب است. برای این امر لازم است دانشجویان، زبان عمومی خود را تقویت کنند و متون حقوقی انگلیسی زیاد مطالعه کنند تا مهارتشان در درک مطلب و تست زنی افزایش پیدا کند.

۲) آیا اطلاعی دارید که با چه رتبه ای و در چه دانشگاهی میتوان در این رشته قبول شد؟

فکر میکنم برای قبولی در این رشته در دانشگاه‌های سراسری، حداکثر رتبه ۱۰۰ است. البته ممکن است دانشجویان پردیس یا شبانه با رتبه‌های بالاتری هم قبول شده باشند ولی این مورد بستگی به عملکرد سایر شرکت کنندگان دارد.

۳) درصدهای شما در کنکور به چه صورت

بود؟
درصدهایم به طور حدودی در درس متون حقوقی ۵۲ درصد، در درس مدنی ۵۰ درصد، در درس تجارت بین ۵۰ تا ۵۵ درصد و در درس متون فقه ۱۰ درصد بود.

۴) آیا این رشته توانایی‌های خاصی را می‌طلبد؟ به طور مثال زبان انگلیسی یا...؟

به طور قطع، رشته مالکیت فکری از رشته‌هایی است که ورود به آن، سطح زبان بالایی را می‌طلبد؛ زیرا اکثر منابع به روز و مهم در حقوق مالکیت فکری به زبان انگلیسی هستند. بیشتر منابعی هم که استادان در دانشگاه به ما معرفی می‌کنند، انگلیسی هستند. البته کتابهای فارسی زیادی در این رشته نوشته شده است که مطالعه آنها هم حائز اهمیت است؛ ولی بیشتر منابعی که دانشجویان در مقطع ارشد با آن رو به رو هستند، انگلیسی است؛ مثل سایت‌ها، مقالات و...



لحاظ مادی نیز رشته مناسبی است چون همه ما به نوعی در زندگی روزمره خود، با مفاهیم ذکر شده در ارتباط هستیم.

۷) توصیه پایانی خود را برای دانشجویان علاقه‌مند به این رشته بفرمایید.

توصیه من به دانشجویان این است که پیش از انتخاب رشته، منابع و مقالات مختلف را در خصوص این رشته مطالعه کنند تا به درک دقیق‌تری از آن برسند. در خصوص انتخاب رشته، علاقه حرف اول و آخر را میزند و کسب اطلاعات مختلف در خصوص آینده شغلی و مباحث مورد مطالعه، به شناسایی این علاقه کمک میکند. دانشجویان میتوانند از طریق سایت wipo، مطالب و منابع زیادی را در خصوص این رشته مطالعه کنند.

توصیه دیگر من به دانشجویان این رشته این است که تسلط خود را در زبان انگلیسی به شدت بالا ببرند؛ چون همانطور که ذکر شد،

هم وجود دارد و آنها میتوانند برای آزمون ارشد، این رشته را انتخاب کنند.

۶) فضای کاری این رشته در سطح داخلی و بین‌المللی به چه شکل است؟

به نظر من، با پیشرفت زندگی اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی، رشته حقوق مالکیت فکری به یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین رشته‌های حقوقی تبدیل می‌شود. مفاهیمی مثل برند سازی، حق اختراع، کپی رایت، حقوق معنوی هنرمندان و مواردی از این قبیل در زندگی اجتماعی ما نقش اساسی ای ایفا می‌کنند و اکنون هم پرونده‌های زیادی در این خصوص در جریان هستند. البته به طور قطع میتوان گفت که به مرور زمان، این رشته پخته‌تر میشود و به دلیل تازه بودن رشته حقوق مالکیت فکری، جای رشد زیادی در سطح داخلی و بین‌المللی پیدا خواهد کرد. از دید سرمایه‌گذاری هم میتوان گفت که این رشته، از

البته بعد از زبان انگلیسی، گزینه دیگری هم که برای دانشجویان وجود دارد زبان فرانسه است، زیرا بسیاری از کتابهای علمی در این رشته یا به فرانسه نوشته شده‌اند و یا از فرانسه به انگلیسی ترجمه شده‌اند. اما در هر صورت زبان انگلیسی به فرانسه اولویت دارد.

به جز منابع، نکته دیگری که وجود دارد این است که بیشتر مسائل مربوط به مالکیت فکری مثل کپی رایت، علائم تجاری و... در سراسر جهان یکسان است و تنها ضمانت اجراها متفاوت است. از آنجایی هم که کشور ایران به خیلی از کنوانسیون‌ها ملحق نشده است، مطالعه قوانین مختلف در حوزه این رشته سطح زبان معقولی را می‌طلبد.

۵) آیا دانش‌آموختگان سایر رشته‌های کارشناسی می‌توانند در مقطع ارشد، این رشته را انتخاب کنند یا حتما نیاز به مدرک کارشناسی حقوق دارند؟

بله، این امکان برای سایر دانش‌آموختگان

محاكمه شيكاگو ۷

پریسا پور مقدم



به شيكاگو بروند. شهردار وقت شيكاگو با بی توجهی به درخواست‌های پیاپی رهبران گروه های معترض، از اعطای مجوز رسمی اعتراضات خودداری کرده و در عوض شروع به احضار نیروهای پلیس از سراسر کشور و امنیتی کردن فضای حاکم بر شهر می‌کند. کم جمعیت مردم معترض از راه می‌رسند و در پارک‌های شهر مستقر شده و شروع به نواختن موسیقی و شعار دادن می‌کنند. در روز کنوانسیون اعتراضات بالا می‌گیرد و زنجیره اتفاقات باعث می‌شود که پلیس دست به خشونت بزند و در نتیجه این خشونت‌ها ۱۱ نفر کشته، بیش از ۵۰۰ نفر زخمی و بیش از ۲۰۰۰ نفر بازداشت می‌شوند.

در سال بعد دادستان کل دولت رئیس جمهور جدید، به دادستان و معاون دادستان حوزه شيكاگو دستور می‌دهد که علیه رهبران تظاهرات، کیفرخواست صادر کنند. گروه متهمان تشکیل می‌شود از تام هیدن و رنی دیویس رهبران گروه دانشجویان جامعه دموکرات (SDS)، آبی هافمن و جری رویین

ترور مارتین لوترکینگ برافروخته بود و جنگ ویتنام که توسط رئیس جمهور دموکرات وقت، لیندون بی جانسون، آغاز شده بود به نقاط حساسی رسیده، هزینه‌های انسانی سنگینی به بار آورده و موجب اعتراضات فراوانی از سوی نهادهای مدنی مخالف جنگ شده بود.

در همین زمان کنوانسیون سالانه حزب دموکرات در شيكاگو جهت انتخاب کردن و معرفی فرد مناسب برای نامزدی حزب در انتخابات سال بعد، اعتراضات گروه‌های مختلف درون حزبی را برانگیخته بود، زیرا فردی که قرار بود نامزد حزب در انتخابات سال آینده شود از لحاظ تفکرات و مشرب سیاسی تفاوت چندانی با ریچارد نیکسون، نامزد جمهوری خواهان نداشت و پیشبینی می‌شد که جنگ ویتنام را ادامه دهد.

به همین دلیل گروه‌های مختلف درون حزبی دموکرات تصمیم می‌گیرند که برای نشان دادن مخالفت و اعتراض خود نسبت به این انتخاب، همزمان با تشکیل کنوانسیون سالانه

درام سطح اول تاریخی و حقوقی است که در سال ۲۰۲۰ به نویسندگی و کارگردانی آرون سورکین اکران شد. این فیلم دومین تجربه کارگردانی آقای سورکین، فیلمنامه نویس، نمایشنامه نویس و تهیه کننده آمریکایی، پس از فیلم بازی مالی است. او قبل از کارگردانی این دو فیلم، نویسندگی فیلم‌های مطرحی نظیر "چند مرد خوب" و "شبکه اجتماعی" را بر عهده داشت و برای فیلم شبکه اجتماعی برنده جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی در هشتماد و سومین آکادمی اسکار شد. فیلمنامه براساس واقعیت ساخته شده و جزئیات مطرح شده در آن تا حد زیادی منطبق بر مستندات به جای مانده از دادگاه مذکور است. با این حال، موقعیت‌های دراماتیک نیز در فیلمنامه گنجانده شده تا قامت سینمایی به اثر ببخشد.

داستان فیلم محاكمه شيكاگو ۷، روایتگر وقایع تابستان سال ۱۹۶۸ در شهر شيكاگو، مقر کنوانسیون ملی حزب دموکرات، است. در این زمان جامعه ایالات متحده به سبب



فیلم به سرعت بیننده را به پنج ماه بعد می برد. جایی که دادگاهی فرمایشی با هدف اثبات قدرت حاکمیت جدیت در اداره ی کشور و ادامه دادن به جنگ ویتنام تشکیل شده است. دولت و دادستان کل خواستار حداکثر مجازات برای متهمین هستند اما از آنجایی که اختیار صدور حکم به هیئت منصفه تعلق دارد تیم دادستانی با چالش های حقوقی متعددی در پاسخ به پرسش های اصلی پرونده مواجه است:

آیا پلیس آغاز کننده شورش بود یا معترضان؟ و آیا این شورش از قبل توسط گروه ۷ با همکاری هم برنامه ریزی شده بود یا نه؟

بیشتر شاهد هایی که تیم دادستانی به محاکمه احضار میکنند کارمندان دولت و پلیس هایی هستند که به عنوان مامور مخفی در تظاهرات حضور داشته اند و شهادت خود

فیلم موسیقی متن شلوغی دارد که بازتابی از جو متشنج دهه ۶۰ میلادی است و پر از دیالوگ های سریع و پینگ پنگی است. شخصیت ها مکرراً کلام یکدیگر را قطع میکنند و اساسی ترین اتفاقات در دیالوگ میان شخصیت های اصلی رخ میدهد. شخصیت های بسیار و حجم بالای دیالوگ ها در ابتدا ممکن است گیج کننده به نظر برسند اما چیزی نمی گذرد که تفاوت لحن و طرز فکر و شیوه روابطشان با یکدیگر که در قالب دیالوگ هایی هوشمندانه به بیننده منتقل می شوند، تبدیل به نقطه قوت فیلم می گردد. نکته اینجاست که تمرکز بر فرآیند دادگاه این امکان را برای سورکین فراهم کرده تا بدون جانب داری از هیچ یک از طرفین درگیر، بیننده را به سمت پایان فیلم هدایت کند.

رهبران حزب جهانی جوانان (YIP)، دیوید دلینجر رهبر کمیته ملی برای ختم جنگ ویتنام (mobe)، لی واینر، جان فروینز و بابی جی سیل رهبر گروه پلنگ های سیاه.

در طول ۵ ماه و ۱۵۱ جلسه دادگاه، تیم دادستانی در تلاش برای اثبات عناوینی مجرمانه علیه متهمین است. از قبیل تبانی و توطئه علیه امنیت و تحریک مردم به شورش، با مجازات حداکثر ۱۰ سال حبس، بر مبنای قانون فدرال رپ براون است.

فیلم محاکمه شیکاگو هفت با مقدمه ای ده دقیقه ای شروع می شود که در آن کارگردان می کوشد با بهره برداری دقیق از بخش هایی از فیلم های ضبط شده در دهه ی ۶۰ میلادی که به سرعت در هم ادغام می شوند، تصویری کلی از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان وقوع داستان ارائه دهد.



را صرفاً در راستای منافع تیم دادستانی بیان می‌کنند. جهت دار بودن رفتار قاضی و تبعیض آشکار او از دقایق ابتدایی، مخاطب را شوکه می‌کند و نشان دهنده سایه بی‌عدالتی قضایی بر محاکمه است. قاضی مکرراً اعتراض‌هایی که وکلای متهمین میکنند رد و مشابه همان اعتراض‌ها را از تیم دادستان می‌پذیرد. در قسمتی از فیلم وکلای متهمین از آنکه رفتار دو نفر از اعضای هیئت منصفه به نظر می‌رسیده که به سوی متهمین گرایش دارد ابراز خوشحالی میکنند و بلافاصله در جلسه بعدی دادگاه قاضی به بهانه اینکه خانواده‌های همان دو نفر از سمت گروه پلنگ‌های سیاه مورد تهدید قرار گرفته‌اند، آن دو نفر را مجاب می‌کند که خودشان از هیئت منصفه انصراف دهند. پس از آن

بلافاصله قاضی حکم می‌کند که باقی هیئت منصفه تا پایان محاکمه، در قرنطینه نیروی پلیس شیکاگو قرار بگیرند که با اعتراض وکیل متهمین رو به رو می‌شود زیرا قرنطینه هیئت منصفه به شدت به ضرر متهمین است. چون روند طولانی محاکمه و دوری اعضای هیئت منصفه از خانواده‌هایشان و همچنین هم‌صحبتی و نزدیکی پلیس به آنها در طول مدت قرنطینه کاملاً بر تصمیم‌گیری بی‌طرفانه آنها تاثیر می‌گذارد. یکی از نکات قابل توجه این محاکمه تعداد دفعاتی است که متهمین و وکلایشان به اهانت علیه دادگاه محکوم می‌شوند. صرفاً به موجب همان محکومیت‌ها از 4 سال حبس برای وکیل پرونده، ویلیام کانتسلر تا 2 ماه برای واینر معین می‌شود. البته بعدها با نظر دادگاه استینافی که معتقد بود نگرش قاضی

نسبت به متهمین و وکلای آنها تحقیرآمیز و اغلب متخاصمانه بوده است، این احکام اجرا نمی‌شوند. همچنین در ناامیدکننده‌ترین بخش فیلم وقتی کانتسلر، دادستان کل دولت سابق، رمزی کلارک را قانع می‌کند که به نفع متهمین شهادت دهد که در دادستانی سابق در تحقیقات به این نتیجه رسیده بود که در اصل پلیس شیکاگو آغازگر خشونت بوده و دادگاهی کردن شیکاگو ۷ با انگیزه سیاسی انجام شده است، قاضی اجازه نمی‌دهد که هیئت منصفه شهادت کلارک که مهم‌ترین بخش دفاعیات متهمین بوده را بشنوند و آخرین امید شیکاگو ۷ در اینجا از بین می‌رود.

ماجرای بابی سیل یکی دیگر از بخش‌های مهم داستان فیلم است. او که در روز برگزاری کنوانسیون تنها برای ۴ ساعت به شیکاگو می‌

سكانس پایانی قرار میشود که بر طبق رویه قضایی دادگاه‌های آمریکا، تام هیدن به نمایندگی از دیگران و پیش از اعلام رای صحبت کند. قاضی به او میگوید که اگر کوتاه و با پشیمانی صحبت کند، قاضی در صدور رای با ارفاق عمل می‌کند. اما در حرکتی شکه کننده هیدن به سمت دیویس بر میگردد و فهرست اسامی کشته شدگان جنگ که به حدود ۵۰۰۰ رسیده است از او میگیرد و شروع به خواندن می‌کند. البته در نهایت دادرسی متهمین به تنها ۵ سال حبس محکوم می‌شوند که خود نشان دهنده استقلال نسبی قوه قضاییه از حکومت است. داستان سورکین در حماسی‌ترین و جذاب‌ترین حالت ممکن پایان می‌گیرد. در حالی که تام هیدن اسامی را می‌خواند جمعیت حاضر در دادگاه او را تشویق می‌کنند، قاضی درمانده تلاش دارد نظم را به دادگاه برگرداند و مردم در پشت درهای دادگاه فریاد می‌زنند: «تمام دنیا تماشا می‌کند!»

<https://www.britannica.com/event/Chicago-Seven-law-case>

را در چشم هیئت منصفه به شخصیتی مظلوم تبدیل کردید!
قاضی: آقای کانتسler من مدت زیادی عمر کرده ام آقا! و شما اولین کسی هستید که ادعا میکنید من علیه یک مرد سیاه پوست تبعیض اعمال کرده ام!

واین گلس (دیگر وکیل متهمین): پس در سابقه‌تان ذکر کنید که من دومین نفر هستم! هرچند کارگردان مشخصاً طرفدار یکی از دو گروهی است که با یکدیگر در دادگاه به جدال حقوقی مشغول هستند، اما این موضوع باعث نشده که به نقاط ضعف گروه ۷ و ویژگی‌های مثبت قاضی، دادستان و پلیس نپردازد به طوری که در لحظاتی از فیلم مخاطب نسبت به دادستان احساس احترام پیدا می‌کند و در مقابل به اشتباهات اعضای گروه ۷ پی می‌برد. شیوه هدفمند تغییر احساس مخاطب در کل فیلم ادامه می‌یابد گویی قصد کارگردان، نشان دادن سختی قضاوت و تحلیل وقایع تاریخی، مخصوصاً در حین رخ دادنشان است.

با شروع محاکمه رنی دیویس شروع به نگارش فهرستی از اسامی کشته شدگان در جنگ ویتنام می‌کند زیرا معتقد است در روند محاکمه ممکن است فراموش کنند که اساساً هدف اعتراض‌ها چه بوده است. در

آید تا از فرصت استفاده و برای جمعیت عظیمی که در شيكاگو جمع شده بودند سخنرانی کند، برای ترسناک تر به نظر رسیدن گروه شيكاگو ۷ به دادرسی جلب می‌شود در حالی که قبلاً هیچ کدام از آنها را ملاقات هم نکرده بوده، چه رسد به آنکه با آنها تلبانی و توطئه کرده باشد. وکیل بایی سیل که بیمار و در بیمارستان بستری است، در محاکمه حضور ندارد و قاضی تقاضای او را برای جدا کردن پرونده اش از دیگران نادیده می‌گیرد و اصرار دارد که کانتسler وکالت سیل را هم بر عهده بگیرد و چون سیل قبول نمی‌کند در جلسات به او اجازه صحبت کردن و دفاع از خودش را نمیدهد. وقتی سرانجام صبر سیل در جلسات پایانی تمام شده و شروع به فریاد زدن میکند، قاضی دستور میدهد دست و پا و دهان او را با خشونت ببندند. وقتی سیل لنگان لنگان به دادگاه بر میگردد. معاون دادستان که از کار قاضی ناراضی است تقاضای جدا و باطل شدن دادرسی سیل میشود و قاضی علی‌رغم میل شخصی اش مجبور می‌شود تصمیم معاون دادستان را اجرایی کند.

قاضی: آیا میخواهید همانطور که او میخواهد دادرسی اش را مختومه و باطل اعلام کنم؟
کانتسler (وکیل متهمین): معلوم است! شما او

Aaron Sorkin ۱.

Molly's Game (2017) ۲.

A Few Good Men (1992) ۳.

The Social Network (2010) ۴.

۵. کشیش و فعال مدنی آمریکایی که از سال 1955 تا زمان ترورش در سال 1968، شناخته‌شده‌ترین سخنگو و رهبر جنبش حقوق مدنی آمریکایی‌های آفریقایی تبار بود: Martin Luther King Jr.

۶. هفتاد و دومین رئیس جمهور آمریکا: Lyndon B. Johnson

۷. هفتاد و سومین رئیس جمهور آمریکا: Richard Nixon

۸. Tom Hayden

۹. Rennie Davis

۱۰. Abbie Hoffman

۱۱. Jerry Rubin

۱۲. David Dellinger

۱۳. Lee Weiner

۱۴. John Froines

۱۵. Bobby G. Seale

۱۶. Rap Brown Law

۱۷. William Kunstler

۱۸. Ramsey Clark

۱۹. Leonard Weinglass

... لحظه‌ای تفکر

فاطمه غلام‌نواسانی



نسل جوان و دانشجوی امروز دغدغه‌های فراوانی را در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زندگی در ذهن خود زاییده و با آنها کلنجار می‌رود و این در حالی است که همگی با برنامه‌ای منسجم و الگو گرفتن از بزرگان این راه، مهارت‌آموزی و ایده‌پردازی را در پیش گرفته‌اند. اغلب آنها این موضوع را دریافته‌اند که در جهان کنونی علم و خلاقیت ترکیبی رو به کامیابی است. شاید آنان تصور کنند محصل هر رشته‌ای به تبع شاخه علمی و دانشگاهی خود شغل هم‌راستا و مرتبط با آن را نیز کسب خواهد کرد، اما این تصویری پایه و اساس است؛ چرا که علل مختلفی جایگاه هر فرد را در مسیر شغلی-تحصیلی اش تحت تاثیر قرار می‌دهد، در طول تاریخ نیز افراد بسیاری بودند که شغل و مدرک تحصیلی آنها ارتباط و تناسبی با هم نداشته اما این موضوع مانعی در جهت رشد و برجسته شدن آنها در سطح جامعه و جهان نشده است. حال می‌خواهیم از سرگذشت فردی روایت کنیم که مسیر متفاوتی از آنچه که

چارچوبهای اجتماعی می‌خواست، پیموده تا ذهن پویای دانشجوی امروزه را با شکل متفاوتی از مسیر زندگی یک دانش‌آموخته حقوق آشنا کند. فرانتس کافکا ۳ ژوئیه ۱۸۸۳ درون خانواده‌ای یهودی و آلمانی زبان در پراگ (جمهوری چک) چشم به جهان گشود. او فرزند بزرگ خانواده بود و دو برادر و سه خواهر نیز داشت. پدرش تاجر بود و رفتاری مستبدانه در کانون خانواده داشت؛ چنین رفتاری جو ترسناکی را بر فضای خانواده حاکم کرده بود، به همین دلیل سایه ترس از کودکی بر جان فرانتس سلطه یافته بود و باعث شد از نوجوانی به مذهب روی آورد. او همیشه بی‌طرفی خود را در مورد ادیان رسمی حفظ کرد؛ با این حال هیچ‌گاه ریشه یهودی خود را در نهان نگه‌نداشت، از لحاظ فکری به مکتب یهودیت حسیدی علاقه داشت و نسبت به تجارب روحانی و صوفیانه اعتبار خاصی قائل بود. علاقه او نسبت به آموزه‌های خاخام‌ها در تعدادی از

نوشته‌ها و آثار به جامانده از او نیز همچون داوری و هنرمند گرسنگی آشکار است. تحصیل و کار: کافکا در سال ۱۹۰۱ دیپلم خود را کسب نمود و در دانشگاه کارلف شروع به تحصیل در رشته شیمی کرد اما دو هفته بعد به علت خوشنود ساختن پدر و طولانی شدن دوره تحصیلی نظر خود را عوض کرده و رشته خود را به حقوق تغییر داد. او در سال ۱۹۰۶ دکترای حقوق خود را گرفته و به مدت یک سال به عنوان کارمند دفتری در دادگاه‌های شهری-جنایی به منظور سپری کردن دوره سربازی خود مشغول کار شد این در حالی بود که او علاقه خاصی نسبت به نویسندگی نیز داشت و پایه زیستن خود را بر بنیان نویسندگی مستقر کرده بود و هر آن چیزی که مانع از انجام درست نویسندگی اش می‌شد را کنار می‌زد. او از کار در شرکت بیمه ایتالیایی به علت ساعت کاری آن که موجب دشواری نویسندگی اش شده بود، استعفا داد و بعد مدت کوتاهی، به



کسب شغل نمی‌کند، مانند جناب کافکا که با وجود مدرک دکترای حقوق وارد هیچ یک از شاخه‌های کاری آن چون وکالت، قضاوت و مشاوره حقوقی و... نشد. او همواره سعی میکرد که از فعالیت در یک بعد از زندگی پرهیز کرده و در قلمروهای گوناگون انسانی گام موثر بردارد. لازم به ذکر است که علاقه خود را نیز مورد توجه و اهمیت قرار داد و هر چیز که نویسندگی اش را تحت الشعاع قرار می‌داد کنار گذاشت، چیزی که امروزه بسیاری از ما از آن غافل هستیم؛ علاقه بنا بر این تلاش کنید تا از سیر زندگی افرادی بیاموزید که علاقه خود را به فراموشی نسپرد هاند و با شور و شوق فارغ از نتیجه به آن پرداخته‌اند.

مورد احساسات گوناگون خود بود پس از مرگ او دوست صمیمی اش؛ ماکس برود، برخلاف وصیت او عمل کرده و نه تنها آثارش را نابود نکرد بلکه با انتشار آنها باعث جلب توجه بسیاری از مردم و منتقدین گردید.

اکنون آثار او از اثرگذارترین‌ها در ادبیات غرب به شمار می‌رود، در ایران نیز تلاش در جهت برگردان نوشته‌های او به زبان فارسی شده است.

لحظات پایان: او پس از عمری فعالیت و کوشیدن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی در سال ۱۹۱۷ به بیماری سل گرفتار شد و سرانجام در ۳ ژوئن ۱۹۲۴ دیده از جهان بریست

پس دانشجویان و جوانان با خواندن این مطالب باید به این مسئله توجه کنند که لزوماً هر دانش‌آموخته‌ای مطابق علم و مدرکش

کار در موسسه بیمه حوادث مشغول گردید. علاوه بر آن وظیفه تهیه گزارش سالانه را داشت و به همراه دوستان صمیمی خود به فعالیت‌های ادبی نیز پرداخت. سال ۱۹۱۱ به پیشنهاد همسر خواهرش کارخانه پنبه نسوز را تاسیس کرد و در این دوره به فعالیت‌های نمایشی تئاتر هم‌گرایش یافته و آثاری در این زمینه از خود بروز داد.

عقیده او بر آن بود که کار در جهت نان در آوردن و پرداخت مخارج است. البته در هر کار و زمینه‌ای که وارد می‌شد؛ ارتقاء درجه می‌یافت و مسئولیت خود را سرسری نمی‌گرفت. فعالیت نویسندگی با وجود علاقه فراوانش نسبت به نوشتن، او هرگز به جز چند داستان

کوتاه از خود منتشر نکرد؛ علی‌رغم آن که از سال ۱۹۱۰ تا پایان عمرش مشغول قلم زدن در